

مسئله اصلی این مقاله بررسی تقلب در امتحان، با تأکید بر فهم مسئله است. این نوشتار در پی ریشه‌یابی دلایل تقلب، از نظریه تکنیک‌های خنثی‌سازی سایکز و ماتزا استفاده کرده است. نظریه تکنیک‌های خنثی‌سازی به دنبال آن است که متخلفان چگونه رفتار خود را در قالبی همسو با ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه توجیه می‌کنند تا از فشار ناشی از سرپیچی از هنجارها بر خود بکاهند. این تکنیک‌ها شامل انکار مسئولیت، انکار زیان، سرزنش سرزنش‌کنندگان، انکار آسیب‌دیده و نیز ادعای وفاداری به دیگران است. رویکرد پژوهش، کیفی و تکنیک مورد استفاده مصاحبه بوده است که طبق آن با ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه گیلان، مصاحبه عمیق صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان از هر پنج تکنیک خنثی‌سازی سایکز و ماتزا برای توجیه تقلب خود در امتحان استفاده می‌کنند. نگاهی به یافته‌ها حاکی از آن است که امتحانات در سیستم آموزشی کشورمان از یک مسئله سنجشی به یک مسئله ارزشی تبدیل شده است و این تبدیل نابجا، عاملی در افزایش میزان تقلب در بین دانشجویان شده است.

■ واژگان کلیدی:

تقلب امتحانی، تکنیک‌های خنثی‌سازی، دانشگاه گیلان، دانشجویان.

تقلب در امتحان؛ نگاهی از درون

مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه گیلان

فردین علیخواه

استادیار دانشگاه گیلان

faralikhah@gmail.com

مهدی بولاغی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه مازندران

mahdiboulaghi@gmail.com

هدا یاقوتی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

Hoda.yaghouti@gmail.com

۱. مقدمه و طرح مسئله

نهادهای آموزشی و پرورشی، فرایند نظام‌یافته جامعه‌پذیری افراد را بر عهده دارند. امتحان و آزمون، نهادهای فرعی آن می‌باشند (نیک‌گهر، ۱۳۸۳: ۱۸۶). یکی از مسائل جامعه‌دانشگاهی، تقلب^۱ در امتحان است. رفتار تقلب در محیط آکادمیک در حال افزایش است (مک‌کاب و تروینو، ۱۹۹۷؛ مک‌کاب و دیگران، ۲۰۰۱ و فارنز^۲ و دیگران، ۲۰۱۱) و اکثر دانشجویان، نوعی بی‌صدافتی تحصیلی^۳ را در طول دوران تحصیل خود گزارش نموده‌اند (مرداک، ۲۰۰۸، به‌نقل از خامسان و امیری، ۱۳۹۰: ۵۳).

هنجارها^۴، قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۵) و تقلب، تخلف از هنجارهاست. شیوع بالای تقلب؛ هشداری برای جامعه است و گویای آن است که روند تبعیت از قانون، دچار مشکل شده است. با توجه به اینکه مسئله اجتماعی؛ وضعیت اظهارشده‌ای است که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و برای تغییر آن وضعیت باید اقدام کرد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۱۲ و ۱۳). موضوع تقلب در امتحان نیز مسئله‌ای اجتماعی است. زیرا هدف از نهادهای آموزشی، آشنایی افراد با ارزش‌های جامعه و به‌نوعی جامعه‌پذیری آنان است و هنگامی که در این نهادها افراد به‌جای تبعیت از هنجارهای مشروع، انواع سرپیچی از هنجارها و ارزش‌های جامعه را فراگیرند، در جامعه نیز برای رسیدن به هدف، همین راه را ادامه خواهند داد. تقلب، در صورت شیوع، مانعی در جهت تحقق ارزش «قانون‌گرایی» است و اعتماد اجتماعی را در جامعه متزلزل می‌کند. شیوع تقلب در یک جامعه همچنین می‌تواند شاخصی از وجود آنومی اجتماعی در آن جامعه باشد. زیرا طبق تعریف رابرت مرتون^۵، زمانی که افراد راه‌های قانونی برای رسیدن به اهداف خود نیابند، به‌اصطلاح قانون را دور می‌زنند.

در زمینه تقلب و فریب‌کاری تحصیلی؛ پژوهش‌های اندکی با رهیافت جامعه‌شناسانه صورت گرفته است. به‌همین دلیل نوع نگاه مقاله حاضر؛ بر اساس اهدافی که دنبال می‌کند، منطبق بر نگاهی جامعه‌شناختی است تا با مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه گیلان، مسئله تقلب در امتحان را از درون، یعنی با توجه به دلایل ذهنی خود دانشجویان متقلب

1. Cheating
2. Farnese
3. Academic Dishonesty
4. Norms
5. Merton

بررسی نماید. بنابراین این مقاله در نظر دارد به بررسی و شناسایی روش‌های متنوع تقلب دانشجویان در امتحان بپردازد و به‌ویژه اینکه در باید دانشجویان چگونه سعی می‌کنند تقلب خود را توجیه کنند و منطقی جلوه دهند. بنابراین سؤال مهم این تحقیق آن است که دلایل دانشجویان برای تقلب در امتحان چیست؟

۲. مبانی و دیدگاه‌های نظری

۲.۱. بررسی پیشینه موضوع

تقلب که در لغت‌نامه معادل ناراستی، دورویی، مکر، دروغ، خیانت، نفاق و نادرستی تعریف شده است در حوزه‌های مختلف به انواع مختلفی تعریف می‌گردد. تقلب در تحصیل و آموزش شامل انواع گوناگونی است. تقلب در امتحان و تقلب در انجام تکالیف درسی و آموزشی از عمده‌ترین تقسیم‌بندی‌های تقلب تحصیلی است (خامسان و امیری، ۱۳۹۰). تقلب امتحانی به‌عنوان عمل دادن یا گرفتن کمک غیرمجاز در یک تکلیف علمی یا گرفتن امتیاز «نمره» برای کاری که جعل شده تعریف می‌شود (استرچ جیسون و دیگران، ۲۰۰۲؛ به‌نقل از چمبری، ۱۳۸۵: ۸). تقلب در امتحان، به‌معنای مجموعه اعمال غیرمجازی است که توسط دانشجویان به‌صورت مخفیانه یا آشکار و به‌منظور کسب نمره مطلوب برای خود یا دیگری صورت می‌گیرد.

نگاهی به تحقیقات پیشین مسئله نشان می‌دهد که درباره موضوع تقلب در امتحان عموماً تحقیقاتی با رویکرد کمی صورت گرفته است و تحقیقات انجام یافته عمدتاً در پی بررسی میزان فراوانی و شیوع این مسئله در محیط‌های آموزشی بوده‌اند. همچنین واکاوی عوامل موجود پیرامون موضوع بررسی این مقاله نشان می‌دهد که بیشتر متغیرهایی زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی شامل جنس و سن در ارتباط با موضوع بررسی شده‌اند (نقدی‌پور و دیگران، ۲۰۱۳؛ خدایی و دیگران، ۲۰۱۱؛ خامسان و امیری، ۱۳۹۰ و سپهری‌نیا، ۱۳۷۶). در تحقیقات اندکی، عوامل دیگری همچون احساس بی‌هنجاری در دانشگاه، نارضایتی از رشته تحصیلی، تصور دانشجویان از کنترل اساتید، خانواده و دوستان، اعتقادات ضعیف نسبت به رعایت هنجارهای علمی، عدم تعهد به هنجارهای دانشگاهی و عدم مشارکت در فعالیتهای اجتماعی (چمبری، ۱۳۸۵) بررسی شده و عوامل درونی نظیر عدم مسئولیت‌پذیری و عدم وقت کافی بیش از عوامل بیرونی نظیر سخت بودن تکلیف و توقع زیاد از دانشجو (خامسان و امیری، ۱۳۹۰) ارزیابی شده است.

علیرغم یافته‌ها و نتایج ارزشمند تحقیقات پیشین، نقدی که بر آنها وارد است آنکه اکثر این تحقیقات فاقد چارچوب نظری جامعه‌شناختی بوده و اغلب به بررسی و بیان انواع روش‌های تقلب بسنده کرده‌اند. همچنین در جمع‌آوری اطلاعات، عمدتاً از روش‌های کمی (عمدتاً پرسشنامه) استفاده شده است. لذا انجام تحقیقاتی که به‌طور عمیق‌تر و با چهارچوب نظری مشخص‌تری به این موضوع بپردازد، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۲.۲. رویکردهای نظری

از آنجا که قصد نویسندگان این مقاله در بررسی مسئله تقلب آن بود تا به ذهنیت و دلیل‌کاوی دانشجویان بپردازند لذا رویکرد پدیدارشناسانه و به‌ویژه نظریه‌های انحرافات اجتماعی که به این رویکرد نزدیک هستند مناسب به‌نظر آمد. در اینجا از بیان سرچشمه‌ها و مبانی فکر پدیدارشناسی پرهیز کرده و به‌طور مشخص به نظریه متأثر از آن یعنی نظریه خنثی‌سازی می‌پردازیم.

۲.۲.۱. نظریه خنثی‌سازی^۱

این نظریه بر رویکردی پدیدارشناسانه استوار است و توسط «دیوید ماتزا^۲» و «گرشام سایکز^۳» مطرح شد. ماتزا از نظریه‌پردازان پیرو دیدگاه پدیدارشناسی است. در پدیدارشناسی محقق تلاش می‌کند به‌طور موقت حقایقی را که خود به آنها اعتقاد دارد، کنار بگذارد. در اینجا محقق هر نوع حقی را از نظر سرزنش یا تأیید، از خود می‌گیرد و به‌منظور تحقیق، همه نوع پیش‌داوری در مورد کج‌رفتاری کنار گذاشته می‌شود و با دیدگاهی کاملاً بی‌طرفانه با کج‌رفتاری برخورد می‌کند. پدیدارشناسی اصولاً کوشش می‌کند تا هر پدیده‌ای را با استفاده از روش طبیعی یعنی آن طور که در ذهن فاعل اتفاق افتاده بررسی کند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۲). روش اصلی پدیدارشناسی توجه به دو ضرورت است: «ضرورت پیدایش^۴» و «ضرورت توصیف^۵»؛ یعنی بازگشت به پدیده و نشان دادن اینکه چگونه ساخته شده است و دوم نشان دادن اینکه پدیده چگونه از دیدگاه عمل‌کننده قابل توصیف است. از دیدگاه پدیدارشناسی، کج‌رفتاری

1. Neutralization Theory
2. David Matza
3. Gresham Sykes
4. Constitutive Imperative
5. Descriptive Imperative

یک مفهوم نامعین است. افراد گوناگون در مورد اینکه چه رفتاری کجروی تعریف می‌شود اتفاق نظر ندارند.

نظریه خنثی‌سازی الگویی را برای تبیین کجروی و تخلف ارائه داده است که عناصری از نظریه‌های یادگیری، برچسب‌زنی و کنترل اجتماعی را در خود جای داده است. طبق این الگو، انجام رفتار مجرمانه در چند مرحله روی می‌دهد: ابتدا، کجروان راه فرار از فشار همنوایی را از جامعه می‌آموزند. ماتزا در این مرحله از مفهوم «نزدیکی به کجرفتاری»^۱ استفاده می‌کند، یعنی فرد می‌خواهد کاری انجام دهد و به کجرفتاری در اثر معاشرت دعوت می‌شود. دوم؛ کجروان پس از مواجه شدن با واکنش جامعه، به بازنگری در خودپنداره و سپس رفتار خود می‌پردازند. ماتزا در این مرحله، از مفهوم «مشخص شدن»^۲ استفاده می‌کند، یعنی در این مرحله فرد از نظر شخصیتی دچار دگرگونی می‌شود و هویت جدیدی را برای خود در نظر می‌گیرد و هویت قبلی خود را مجدداً تعریف می‌کند به عبارت دیگر از نظر ماتزا نوعی «اکتشاف مجدد فلسفی درونی» در شخصیت فرد اتفاق می‌افتد. سوم؛ در این مرحله فرد دارای سرنوی است که باید پنهان سازد. ماتزا در این مرحله از مفهوم «ممنوعیت»^۳ استفاده می‌کند، یعنی فرد باید مانع از این شود که هویت پنهانش برای دیگران آشکار گردد و ذهنیت خاصی نسبت به خود و همچنین قانون و اقتدار پیدا می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۱). چهارم؛ در این مرحله فرد کجرو برای رها شدن از فشارهای همنوایی، به فنون خنثی‌سازی متوسل می‌شود که در این مرحله فرد کجرو از نظر اخلاقی، قانون و هنجارهای اجتماعی را خنثی می‌کند. در این مرحله کجرفتاران معمولاً تلاش می‌کنند تا با انطباق وضعیت خود با شرایطی که می‌توان در آن به‌نحوی از زیر بار مجازات شانه خالی کرده یا تخفیف گرفت، به خنثی‌سازی اثرات کجرفتاری خود در مقابل دیگران و به‌خصوص عوامل اجرای قانون می‌پردازند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۵).

سایکز و ماتزا نظریه خنثی‌سازی را در مقاله‌ای که در سال ۱۹۵۴ منتشر کردند شرح دادند. آنان معتقدند که بین اندیشمندان این توافق وجود دارد که رفتار خلافکارانه از طریق تعامل اجتماعی آموخته می‌شود. نوع کلاسیک این نظریه در آراء ادوین ساترلند آمده بود؛ اینکه خلافکاران هم تکنیک‌ها و هم انگیزه‌ها و تمایلات ذهنی خاص

1. Affiliation
2. Signification
3. Ban

خلافکاری را در گروه‌های خلافکار می‌آموزند. ولی این دو معتقدند که تاکنون توجه اندکی به محتوای خاص آنچه که آموخته می‌شود مبذول شده است و بحث خود را با موضوع خرده‌فرهنگ خلافکاری^۱ ادامه می‌دهند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۴). فرض اصلی دیدگاه خرده‌فرهنگ خلافکاری آن است که خلافکاران در خرده‌فرهنگی پرورش می‌یابند که با فرهنگ غالب جامعه مغایر است و آنان در خرده‌فرهنگ یاده شده، رفتار خلافکارانه خود را از نظر اخلاقی صحیح توجیه می‌کنند. به تعبیر بهتر، نظام ارزش‌های آنان در مقابل نظام ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی جامعه قرار دارد. رفتاری که در نظام ارزش‌های جامعه منفی است در این خرده‌فرهنگ مثبت توجیه می‌شود. سایکز و ماتزا با بعضی از پیش‌فرض‌های دیدگاه خرده‌فرهنگی مخالف‌اند. در همین راستا چهار ملاحظه یا تذکر را بیان می‌دارند:

نخست آنکه اگر این‌گونه است که خرده‌فرهنگی وجود دارد که در آن یک خلافکار رفتار خلافکارانه خود را از نظر اخلاقی درست می‌داند پس از نظر منطقی می‌توانیم فرض کنیم که وقتی او شناسایی و بازداشت می‌شود هیچ احساس تقصیر یا شرمندگی نکند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۴). این دو معتقدند که شواهد مناسبی وجود دارند که نشان می‌دهند اتفاقاً خلافکاران احساس گناه و شرمندگی دارند و بیان ظاهری این شرمندگی نباید به‌عنوان اداهای ماهرانه آنان برای فریب دادن مقامات و پلیس نادیده گرفته شود.

نکته دوم آنکه خلافکاران در بیشتر موارد احترام و تحسین خود را نثار افراد تابع قانون می‌کنند. یک فرد «واقعاً درستکار» معمولاً مورد احترام است و اگر بعضی اوقات هم یک فرد خلافکار بیش از حد مشتاق است که ریاکاری کسانی را که هم‌نواپی می‌کنند آشکار سازد، [ولی] صداقت بی‌چون و چرا و ناب همواره مورد تأیید او خواهد بود (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۵).

ملاحظه سوم آنکه معمولاً در بین خلافکاران مرز روشنی بین کسانی که می‌توانند قربانی جرائم شوند و کسانی که نمی‌توانند وجود دارد. از نظر خلافکاران، گروه‌های اجتماعی معینی هستند که انجام برخی اعمال مجرمانه علیه آنها، «بازی منصفانه‌ای» دیده نمی‌شود، در حالی که از نظر آنان گروه‌های دیگری شایسته حمله و تعرض‌اند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۵). سایکز و ماتزا معتقدند که در بین خلافکاران هم این چنین عقایدی

وجود دارد که برای مثال از دوست نباید سرقت کرد یا آدم نباید به مکان مذهبی که به آن اعتقاد دارد صدمه بزند.

ملاحظه آخر آنکه باید شک کرد اگر دیده شود که تعداد زیادی از نوجوانان کجرو کلاً از تقاضاهای نظم اجتماعی حاکم برای همنوایی خلاص باشند. این احتمال خیلی زیاد وجود دارد که خانواده کجروان هم با جامعه قابل احترامی که کجروی در آن ناصحیح قلمداد می‌شود موافق باشند، اگر چه این خانواده‌ها درگیر فعالیت‌های خلافکارانه مختلفی باشند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۵). یکی از ایده‌های اصلی سایکز و ماتزا در این پاراگراف منعکس می‌شود، جایی که بیان می‌دارند تردید جدی نسبت به دیدگاه‌های نظری وجود دارد که کجروی نوجوانان را به‌عنوان شکلی از رفتار می‌بینند که مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگ کجروانه است؛ دقیقاً به همان شکل که رفتار تابع قانون؛ مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بزرگ‌تر است (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۶). اینان با نقل قولی از موریس کوهن^۱، پرسش اصلی خود را سازمان می‌دهند. کوهن بیان می‌دارد که چرا انسان قوانینی را که به آنها اعتقاد دارد نقض می‌کند؟ به تعبیر سایکز و ماتزا، وقتی که ما سعی داریم تبیین کنیم که چرا علیرغم تعهد کم و بیش به همنوایی، باز کجروی اتفاق می‌افتد این پرسش کوهن در مقابل ما قرار می‌گیرد. به نظر آنان یک نکته از این واقعیت آشکار می‌شود که قواعد و هنجارهای اجتماعی که دعوت‌کننده به رفتار ارزشمندند به‌ندرت شکل اوامری بی‌قید و شرط را به خود می‌گیرند. در عوض ارزش‌ها و هنجارهایی که به‌عنوان راهنماهای واجد شرایط برای عمل ظاهر می‌شوند؛ کاربردپذیری‌شان بر اساس زمان، مکان، اشخاص و اوضاع اجتماعی محدود و سیال می‌شود. برای مثال منع اخلاقی علیه قتل؛ در زمان جنگ در مقابل دشمن کاربرد ندارد اگر چه برای دشمن اسیرشده چنین منعی مجدداً کاربرد می‌یابد (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۶).

استدلال سایکز و ماتزا بر آن است که در اصل بزهکاری عمدتاً مبتنی بر گسترش دفاع از جرائم است که به شکل ارائه توجیهات^۲ برای کجروی‌هایی ارائه می‌شود که توسط بزهکار صحیح و از نظر نظام حقوقی یا جامعه بزرگ‌تر ناصحیح تلقی می‌شود. این توجیهات عموماً به‌عنوان دلیل تراشی‌ها توصیف می‌شوند. آنها معمولاً به‌عنوان مؤید

1. Cohen
2. Justifications

رفتار انحرافی دیده می‌شوند و به‌عنوان حفاظت‌کننده فرد از سرزنش خود و سرزنش دیگران بعد از عمل دیده می‌شوند. به‌نظر سایکز و ماتزا این دلیل هم وجود دارد که باور کنیم این توجیحات قبل از ارتکاب رفتار انحرافی هم وجود دارند و رفتار انحرافی را ممکن می‌سازند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۶). آنان این توجیحات رفتار انحرافی را «تکنیک‌های خنثی‌سازی» می‌نامند و معتقدند که این تکنیک‌ها عنصری حیاتی از «تعاریف مطلوب برای نقض قانون» ساترلند می‌سازند. این دو با نقدی بر دیدگاه ساترلند، بیان می‌دارند که با یادگیری این تکنیک‌هاست که یک نوجوان بزهکار می‌شود تا با یادگیری وظایف اخلاقی، ارزش‌ها یا نگرش‌هایی که در تضاد آشکار با جامعه حاکم‌اند. در کل از نظر سایکز و ماتزا یک فرد خلافکار بین ارزش‌های حاکم بر جامعه و ارزش‌های خرده‌فرهنگ انحرافی سیال و در حال انتخاب است. آنان پنج تکنیک خنثی‌سازی را شناسایی می‌کنند که عبارت‌اند از:

عدم پذیرش مسئولیت^۱: زمانی که کجرو منکر مسئولیت عمل خود می‌شود، از یک‌سو، نارضایتی از خود کاهش می‌یابد و از سوی دیگر نزدیکان نیز او را سرزنش نمی‌کنند. در اینجا ممکن است بیان شود که اعمال خلافکارانه ناشی از نیروهایی خارج از فرد یا فراتر از کنترل او هستند، نظیر والدین بی‌محبت، رفقای بد یا یک محله فقیر. در واقع فرد خلافکار رویکرد «توپ بلیارد^۲» را پیش می‌گیرد که در آن او از روی ناچاری به‌سوی موقعیت‌های جدید روانه می‌شود. با ملاحظه خود به‌عنوان بیشتر تحت عمل دیگران تا یک عمل‌کننده، فرد خلافکار راه را برای انحراف از نظام هنجاری مسلط فراهم می‌کند؛ بدون اینکه ضرورتاً به خود هنجارها حمله مستقیمی داشته باشد (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۷).

عدم پذیرش صدمه^۳: این تکنیک به موضوع نادرست بودن رفتار او ربط دارد. مع‌هذا برای یک خلافکار نادرست بودن رفتار ممکن است با این سؤال ربط پیدا کند که آیا کسی آشکارا از انحراف او لطمه خورده است. پاسخ به این سؤال در معرض تفاسیر مختلفی قرار می‌گیرد. برای مثال وندالیسم ممکن است به‌سادگی نوعی شیطنت تلقی شود. قبل از هر چیز ممکن است ادعا شود فردی که اموال او تخریب شده است به‌خوبی می‌تواند از عهده ترمیم آن برآید. به‌شکل مشابهی، سرقت اتومبیل ممکن است به‌عنوان «قرض

1. Denial of Responsibility
2. Billiard Ball
3. Denial of Injury

گرفتن» دیده شود و یا نزاع بین گروه‌های تبهکار به‌عنوان دعوی خصوصی تلقی شود. در اینجا این استدلال وجود دارد که درست است که رفتار ما خلاف قانون است ولی صدمه قابل توجهی به کسی وارد نساخته است. همان‌طور که عدم پذیرش مسئولیت در تکنیک نخست ممکن است ربط بین فرد و اعمالش را خدشه‌دار کند، ربط بین اعمال و نتایج آنها هم می‌تواند با عدم پذیرش لطمه به دیگران خدشه‌دار شود (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۷).

عدم پذیرش قربانی^۱: حتی اگر یک خلافکار مسئولیت اعمال انحرافی خود را بپذیرد و تمایل به پذیرش این امر داشته باشد که اعمال انحرافی او لطمه و صدمه‌ای در بر داشته است، نارضایتی اخلاقی از خود و دیگران می‌تواند با پافشاری بر اینکه این صدمه با توجه به شرایط پیش‌رو اشتباه نبوده است خنثی شود. در اینجا خلافکار می‌تواند ادعا کند که آن خسارت در واقع خسارت نبوده است بلکه باید شکلی از مجازات یا قصاص عادلانه دیده شود. به‌نظر سایکز و ماتزا با یک کیمیاگری زیرکانه، فرد منحرف خودش را به موقعیت انتقام وارد می‌کند و قربانی او نیز به یک گناهکار تبدیل می‌شود. خرابکاری با توجیه انتقام از یک معلم ناعادل یا دزدی از یک فروشگاه که از نظر سارق صاحب آن فردی متقلب است همگی خساراتی هستند که از چشم یک خلافکار به یک فرد خاطی وارد شده است (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۸).

سرزنش سرزنش‌کنندگان^۲: سایکز و ماتزا معتقدند که در استفاده از این تکنیک، فرد خلافکار هدف توجهات را از اعمال خودش به انگیزه‌ها و رفتارهای آنهایی معطوف می‌کند که خلافکاری‌های او را اشتباه می‌دانند. در همین راستا، او ممکن است ادعا کند که سرزنش‌کنندگان عمدتاً ریاکارند یا خود منحرفانی در لباس مبدل‌اند و یا دارای اغراض شخصی‌اند. توجیهاتی نظیر اینکه «معلم‌ان اغلب جانبدارانه رفتار می‌کنند» و یا «والدین دق و دلشان را سر بچه‌هایشان خالی می‌کنند» مثال‌هایی در این مقوله است. سایکز و ماتزا معتقدند که در اینجا خلافکار موضوع بحث را در یک گفتگو درباره انگیزه‌های بزهکارانه‌اش و واکنش‌های دیگران تغییر می‌دهد و با حمله به دیگران «سرزنش‌کنندگان»، نادرست بودن رفتار خودش به آسانی فرونشاندن یا از نظر محو می‌کند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۸).

1. Denial of the Victim
2. Condemnation of the Condemners

توسل به وفاداری‌های عالی تر^۱: کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی ممکن است با فدا کردن تقاضاهای جامعه بزرگ‌تر برای تقاضاهای گروه‌های اجتماعی نظیر اعضای خانواده، گروه دوستان یا دسته خلافکارانی که فرد منحرف به آنها تعلق دارد خنثی شوند. «من این کار را برای خودم نکردم»، «آدم برای دوست باید جونش رو بده»، از مهم‌ترین جمله‌های افرادی است که از این تکنیک استفاده می‌کنند. در این تکنیک، دوراهی‌هایی مطرح می‌شوند که فرد باید از بین آنها دست به انتخاب زند. از یک‌طرف ارزش‌ها و هنجارهای گروه اجتماعی معمولاً کوچکی قرار دارد که فرد تلاش می‌کند وفاداری خود را به آنها اثبات نماید و از طرف دیگر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بزرگ‌تری قرار دارد که فرد عضوی از آن است. سایکز و ماتزا معتقدند که انحراف از برخی از هنجارها نه به دلیل رد کردن آن هنجارها بلکه به این دلیل اتفاق می‌افتد که سایر هنجارها دارای فشار بیشتری بوده یا دارای مراتب وفاداری عالی‌تری‌اند و لذا برای فرد در اولویت قرار می‌گیرند (سایکز و ماتزا، ۱۹۵۷: ۶۶۸).

تحقیقات و بررسی‌ها بر پایه نظریه خنثی‌سازی در حوزه‌های مختلف همچنان ادامه داشته است. ویلیام برنان^۲ در سال ۱۹۷۴ در پژوهشی نشان می‌دهد که چگونه افراد با استفاده از تکنیک‌های خنثی‌سازی درصد توجه و منطقی کردن سقط جنین برآمده و در نتیجه از هرگونه احساس تقصیر، افسردگی و اضطراب دور شده، آن را کاهش داده و یا از بین می‌برند (برنان، ۱۹۷۴). رابرت اگنیو^۳ در سال ۱۹۹۴ با استفاده از داده‌های موج دوم و سوم پیمایش ملی جوانان آمریکا، به بررسی تأثیر خنثی‌سازی بر مسئله خشونت و رفتار خشن پرداخت. داده‌های او حاکی از آن بود که درصد کوچکی از نوجوانان عموماً خشونت را تأیید کرده یا نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. مع‌هذا درصد بزرگی از آنان تکنیک‌های خنثی‌سازی را که توجیه‌کننده استفاده از خشونت در موقعیت‌های خاص هستند می‌پذیرند (اگنیو، ۱۹۹۴).

استفاده از نظریه خنثی‌سازی در مطالعات روان‌شناسان نیز مورد توجه واقع شده است. باربارا جی. کاستلو^۴ در مطالعه‌ای درباره ارتباط تکنیک‌های خنثی‌سازی و اعتماد به نفس بیان می‌دارد که طبق استدلال سایکز و ماتزا کجروها از تکنیک‌های خنثی‌سازی برای

1. Appeal to Higher Loyalties
2. William C. Brennan
3. Robert Agnew
4. Costello

قادر کردن خودشان جهت ورود به رفتاری استفاده می‌کنند که معتقدند در بیشتر شرایط اشتباه است. یکی از کارکردهای استفاده از این تکنیک‌ها آن است که فرد می‌تواند از مفهوم خود^۱ محافظت کند ضمن اینکه مرتکب عمل مجرمانه می‌شود. این بیانگر آن است که جوان بزهکاری که از این تکنیک‌ها استفاده می‌کند باید سطوح بالاتری از اعتماد به نفس در مقایسه با کسانی داشته باشد که از این تکنیک‌ها استفاده نمی‌کنند (کاستلو، ۲۰۰۰). ویلیام مینور^۲ در سال ۱۹۸۱ نوشت که سایکز و ماتزا در مقاله‌شان در سال ۱۹۵۷ درباره تشابهات بین نظام‌های ارزش کجروان و غیرکجروان مبالغه کردند و نظریه‌های بعدی با تکنیک‌های خنثی‌سازی به مثابه نظریه‌ای در مقابل دیدگاه خرده‌فرهنگی به کجروی مواجه شدند. برای غلبه بر این دوگانه انگاری غیرمؤثر و تصنعی، یک تجدیدنظر در نظریه خنثی‌سازی لازم است که آن را با تفاسیر خرده‌فرهنگی کجروی سازگار می‌سازد. از نظر مینور تحقیقات قبلی مربوط به خنثی‌سازی ناقص بودند چون نسبت به موارد زیر کوتاهی داشتند: ۱. ایجاد یک نظم علی صحیح بین پذیرش عذر و کجروی؛ ۲. کنترل ارزیابی اخلاقی رفتار بزهکارانه (مینور، ۱۹۸۱).

ویراتیس^۳ و همکارانش با اشاره به اینکه تحقیقات اخیر درباره تکنیک‌های خنثی‌سازی به بررسی تخلفات یقه سفیدان و متخلفان شرکت‌ها پرداخته‌اند معتقدند که توجه اندکی به رابطه بین جنسیت و استفاده از تکنیک‌های خنثی‌سازی شده است. با جمع‌آوری داده‌هایی از دانشجویان رشته مدیریت راهبردی کسب و کار، مطالعه آنان به دنبال بررسی تأثیرگذاری جنسیت بر به‌کارگیری تکنیک‌های خنثی‌سازی بود. یافته‌های آنان نشان داد که هر چند در استفاده از برخی از تکنیک‌ها تفاوت‌های بین زنان و مردان مشاهده می‌شد ولی در کل جنسیت بر استفاده از تکنیک‌های خنثی‌سازی تأثیری ندارد (ویراتیس و دیگران، ۲۰۱۲).

پریتی^۴ با الهام از نظریه تکنیک‌های خنثی‌سازی سایکز و ماتزا، موضوع عدم‌پذیرش ریسک را بررسی می‌کند. او معتقد است که این نظریه به روش شناختی^۵ مواجه‌شدن با رفتارهای مخاطره‌ای اشاره دارد و می‌تواند به‌عنوان نسخه به‌روز شده نظریه خنثی‌سازی سایکز و ماتزا دیده شود. پریتی معتقد است که مردم برچسب «ریسک‌پذیر بودن» را با

1. Self-concept
2. William W. Minor
3. Vieraitis
4. Peretti
5. Cognitive

استفاده از تکنیک‌هایی خنثی می‌کنند و باید این تکنیک‌ها را به آنچه که قبلاً توسط سایکز و ماتزا گفته شده است افزود. پریتی درباره سه تکنیک خنثی‌سازی عدم پذیرش ریسک بحث می‌کند: بلاگردانی، اعتماد به نفس و مقایسه بین ریسک‌های مختلف (پریتی و اتال، ۲۰۰۳). در مجموع نظریه تکنیک‌های خنثی‌سازی در نقد و تکمیل نظریه خرده‌فرهنگ ساترلند مطرح شد. استدلال اصلی این نظریه بر آن است که برخلاف پنداشته‌های نظریه خرده‌فرهنگ، افراد بزهکار تافته جدا بافته از فرهنگ حاکم بر جامعه نیستند. آنان در واقع در یک رفت و برگشت بین فرهنگ غالب، ارزش‌های جامعه و خرده‌فرهنگ مؤید کجروی خود هستند. آنان می‌دانند که در حال انجام عمل خلاف هستند ولی با سازوکارهایی سعی می‌کنند که قبح آن خلاف را از بین ببرند و آن را برای خود قابل پذیرش کنند. البته منتقدان بیان می‌دارند که چرا این نظریه روشن نمی‌سازد که چرا برخی از کجروان در این رفت و برگشت هستند و برخی نیز به‌طور ثابت و مداوم در خرده‌فرهنگ کجروی باقی می‌مانند و همیشه ارزش‌های مخالف کجروی را که توسط جامعه اعلام می‌شود رد می‌کنند. نکته دیگر آنکه اگر متخلفان به ارزش‌های جامعه متعهد باشند مجبور به خنثی‌سازی‌اند. این تکنیک درباره آن دسته از بزهکارانی که هیچ‌گونه تعهدی به ارزش‌های جامعه مسلط ندارند کاربرد ندارد. برخی از منتقدان درباره تقدم و تأخر به‌کارگیری تکنیک‌های خنثی‌سازی هم شبیهاتی را مطرح کرده‌اند. حتی این نظر هم وجود دارد که برخی از تحقیقاتی که مؤید این نظریه بوده‌اند مشکل نمونه‌گیری داشته‌اند (لانیر و هنری^۱، ۲۰۰۴). نظریه خنثی‌سازی در عرصه‌های مختلفی مورد آزمون قرار گرفته است. در مواردی تأیید و در مواردی یافته‌های تجربی از آن حمایت نکرده‌اند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع مقطعی (خردادماه ۱۳۹۲) و با هدف توصیفی - تبیینی می‌باشد. از آنجا که این تحقیق به دنبال درک و شرح سوژه (دانشجویان متقلب) و نحوه تفسیر او از ایزه «تقلب» و نوع تفسیر آنها از جهان اجتماعی بوده‌است، رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه ساختارمند انتخاب شد. تیم تحقیق نخست با توجه به موضوع و اهداف تحقیق، محورهای مصاحبه را یادداشت و سپس قرارهای مصاحبه نهاده می‌شد. با توجه به اینکه برخی از مصاحبه‌ها در اتاق‌های دانشجویان انجام می‌شد سایر هم‌اتاقی‌های دانشجویان

نیز به شکل پراکنده تجارب خود را با اشتیاق مطرح می‌کردند که البته در این تحقیق بیشتر مطالب دانشجویان مصاحبه‌شونده مد نظر قرار گرفته است^۱. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه گیلان بودند که از بین آنها به شیوه گزینشی هدفمند و زنجیره‌ای، دانشجویانی انتخاب شدند که تجربه تقلب در بیش از یک امتحان را داشتند^۲. هر دانشجوی معرف دانشجوی دیگری بود که در امتحان تقلب انجام داده بود. پس از انجام ۲۰ مصاحبه و با توجه به آغاز روند پاسخ‌های تکراری، کفایت و اشباع نظری حاصل شد. واحد مشاهده و واحد تحلیل در این تحقیق فرد (دانشجو) و سطح تحلیل تحقیق خرد بوده است. در هنگام مصاحبه همواره این موضوع مدنظر محققین بود که شاید پاسخگویان نسبت به موضوع حساسیت داشته و از بازگویی تجربیات خود واهمه داشته باشند. اما برخلاف تصور، صحبت کردن در مورد این تجربیات برای افراد هیجان‌انگیز بود و هیچ‌گونه ابایی از اشاره به تقلب‌های خود نداشتند. اما از سویی به دلیل حفظ هویت شخصی مصاحبه‌شوندگان، در این مقاله اسامی دانشجویان با نام‌های فرضی آمده است.

اگرچه قاعده محض یا راهنمایی خاص برای حجم نمونه در تحقیق کیفی وجود ندارد، اما اغلب متون پژوهشی، مناسب بودن حجم نمونه را بسته به سؤال پژوهش، منابع مادی، زمان، عمق و محتوای مطالعه انجام گرفته می‌دانند و محقق با توجه به این مؤلفه‌ها در انتخاب حجم نمونه آزاد است (ماکسول، ۱۹۹۵ و هالیدی، ۲۰۰۲؛ به نقل از حاضری و شریفی، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲). ۱۰ نفر از پاسخگویان را زنان و ۱۰ نفر دیگر را مردان تشکیل می‌دهند. تمام پاسخگویان در مقطع کارشناسی و روزانه مشغول به تحصیل بودند. همچنین اکثریت آنها در سال‌های پایانی مقطع کارشناسی در رشته‌های مختلف بودند. کمترین میزان معدل دانشجویان نمونه ۱۴ و بیشترین معدل ۱۷ بوده است. همچنین جز در یک مورد، اکثریت پاسخگویان مجرد بوده‌اند. در جدول ۱ اطلاعات بیشتری درباره پاسخگویان آمده است.

۱. با توجه به این تجربه، از جمله تکنیک‌های دیگری که می‌توان در تحقیقات آتی درباره این موضوع به کار گرفت جلسات متمرکز گروهی است.

۲. به جز دو مورد، همه مطالعه‌شوندگان این تحقیق ساکن خوابگاه دانشگاه بوده‌اند. تجربه تقلب و پس از آن جنسیت مهم‌ترین معیار تیم مطالعه برای انتخاب مطالعه‌شوندگان بود. علت انتخاب دانشجویان خوابگاهی یا دانشجویان دارای منزل استیجاری سهولت ایجاد رابطه دوستانه و گپ و گفت آسان‌تر و دوستانه‌تر درباره موضوع تحقیق بوده است. انتخاب دانشجویانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند و بررسی نقش خانواده «نظریه پیوند اجتماعی به عنوان رقیب نظریه خنثی‌سازی» شاید می‌توانست نتایج دیگری را رقم زند که امیدواریم سایر محققان در مطالعات بعدی به این موضوع توجه کنند.

جدول ۱: اطلاعات فردی افراد نمونه

ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	رشته تحصیلی	معدل	ورودی	محل سکونت
۱	مرضیه	۲۲	مجرد	تربیت بدنی	۱۵	سال چهارم	خوابگاه
۲	ندا	۲۱	مجرد	مدیریت	۱۴/۳۰	سال چهارم	خوابگاه
۳	میترا	۲۲	مجرد	علوم اجتماعی	۱۵/۲۰	سال چهارم	خوابگاه
۴	آیدا	۲۱	مجرد	گیاه پزشکی	۱۶	سال چهارم	خوابگاه
۵	مریم	۲۲	مجرد	مدیریت	۱۵/۵۰	سال چهارم	خوابگاه
۶	مهین	۲۲	مجرد	مدیریت	۱۵	سال چهارم	خوابگاه
۷	شیرین	۲۲	مجرد	علوم اجتماعی	۱۶/۱۰	سال سوم	خوابگاه
۸	مینا	۲۱	مجرد	مهندسی شیمی	۱۳/۵۰	سال چهارم	خوابگاه
۹	معصومه	۲۲	مجرد	علوم دامی	۱۴/۳۰	سال چهارم	خوابگاه
۱۰	سحر	۲۲	متأهل	مهندسی شیمی	۱۷	سال چهارم	خوابگاه
۱۱	اسماعیل	۲۲	مجرد	روان‌شناسی	۱۵/۵۰	سال چهارم	خوابگاه
۱۲	مصطفی	۲۱	مجرد	مهندسی مکانیک	۱۴	سال سوم	خوابگاه
۱۳	امیرحسین	۲۲	مجرد	مهندسی شیمی	۱۳	سال چهارم	خوابگاه
۱۴	علیرضا	۲۱	مجرد	مهندسی عمران	۱۴	سال سوم	خوابگاه
۱۵	مهدی	۲۲	مجرد	علوم اجتماعی	۱۷	سال چهارم	خوابگاه
۱۶	مرتضی	۲۱	مجرد	مهندسی عمران	۱۵	سال سوم	خوابگاه
۱۷	سجاد	۲۳	مجرد	علوم اجتماعی	۱۵/۵۰	سال چهارم	منزل مسکونی
۱۸	محمدامین	۲۱	مجرد	مهندسی کامپیوتر	۱۵	سال سوم	خوابگاه
۱۹	سعید	۲۱	مجرد	مهندسی مکانیک	۱۴/۸۰	سال سوم	منزل مسکونی
۲۰	شهریار	۲۱	مجرد	مهندسی عمران	۱۵	سال سوم	خوابگاه

۱۷۴

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. نگاه مثبت به تقلب

اولین نتیجه قابل ذکر در مورد بررسی رفتار تقلب در بین دانشجویان این بود که تفسیر منفی نسبت به این مسئله اجتماعی وجود نداشت و دانشجویان به راحتی در مورد تجربیات خود از تقلب صحبت می‌کردند. آن گونه که در هنگام مصاحبه‌ها مشاهده می‌شد در ظاهر

تصور زشتی و منفی بودن تقلب برای آنان از بین رفته بود. نمونه‌ای از مصاحبه‌های افراد نمونه در جدول ۲ آمده است.

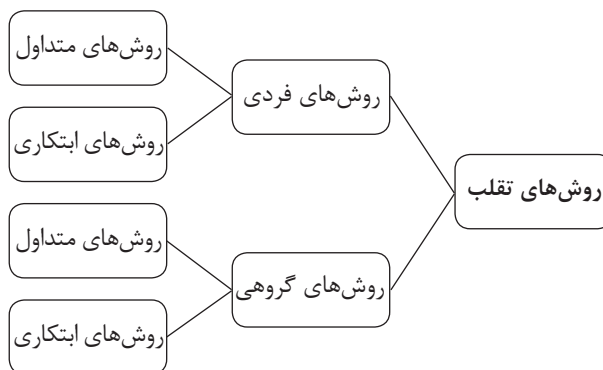
جدول ۲: نوع نگاه به تقلب

مقوله	گزاره
تجربه درونی شده	ندا: «سر جلسه امتحان، اول توکلت به خدا باشه بعدم به نفر کناریت.»
تأیید عمل	علیرضا: «اگه نتونی تقلب کنی فردا روز داخل جامعه نمی‌تونی گلیم خودتو از آب بیرون بکشی!»

۴.۲. انواع روش‌های تقلب در امتحان

دانشجویان متقلب از روش‌های متفاوتی برای انجام تقلب استفاده می‌کنند که برخی از آنها به صورت فردی و برخی دیگر به صورت گروهی بود. در این میان، بعضی از روش‌های متداول و برخی نیز از روش‌های نامتداول و ابتکاری استفاده می‌کردند. بنابراین می‌توان تقسیم‌بندی زیر را در مورد انواع روش‌های تقلب داشت:

۱۷۵



شکل ۱: دسته‌بندی روش‌های تقلب امتحانی

۴.۲.۱. روش فردی - متداول

دانشجو در این روش بدون کمک دیگران مرتکب تقلب می‌شود و انجام چنین روش‌هایی در بین دانشجویان متقلب بسیار رایج است. نوشتن تقلب روی دست و پا و صندلی امتحان، همراه بردن برگه حاوی برخی مطالب مهم و حتی جزوه درسی در سر جلسه امتحان و نگاه کردن از برگه امتحانی فرد مجاور «بدون اجازه و هماهنگی قبلی» از موارد پرکاربرد است (جدول ۳).

جدول ۳: انواع روش‌های فردی - متداول

مقوله	گزاره
نوشتن روی اعضای بدن	مرضیه: «امتحان تستی بود به خاطر همین روی میچ و کف دستم قلب نوشتم».
نوشتن روی صندلی امتحان	ندا: «زودتر شماره صندلیم رو نگاه کردم و رفتم سر جای خودم نشستم و تا موقعی که برگه‌های سؤال رو می‌خواستن پخش کنن یه سری قلب رو صندلیم نوشتم و سر امتحان تونستم از همون نوشته‌ها استفاده کنم».
همراه بردن جزوه و برگه تقلب	میترا: «سر جلسه با خودم تقلب بردم و زیر برگه امتحانم گذاشتم و هر موقع مراقب از کنارم فاصله می‌گرفتم، از برگه تقلب نگاه می‌کردم و می‌نوشتم». اسماعیل: «امتحان میان‌ترم جزوه زیر پاهام بود، وقتی استاد از من فاصله می‌گرفت با پاهام جزوه رو باز می‌کردم و جواب یک‌سری از سؤالات رو از روی جزوه نوشتم. از اونجایی که ردیف آخر هم نشسته بودم کار زیاد سختی نبود».
نگاه کردن از روی برگه دیگران	آیدا: «کلاسای کوچک گیاه پزشکی، صندلی‌هارو کنار هم میذارن و فاصله به‌حدی کمه که خیلی راحت می‌شه از برگه نفر کناریت تقلب کرد. منم از این فرصت استفاده کردم و از روی برگه نفر کناریم تقلب کردم».

۱۷۶

۴.۲.۲. روش فردی - ابتکاری

در این روش همچون روش قبلی، فرد بدون کمک دیگران دست به تقلب می‌زند اما روش‌هایی که برای انجام تقلب استفاده می‌کند نسبت به روش قبلی عمومیت کمتری در بین دانشجویان دارد و معمولاً نیازمند برنامه‌ریزی و خلاقیت بیشتری است که در جدول ۴ به آنها اشاره شده است (جدول ۴).

جدول ۴: انواع روش‌های فردی - ابتکاری

مقوله	گزاره
جاسازی تقلب در لباس	مریم: «آستین مانتوی من دو لایه هستش و روز امتحان برگه تقلب رو بین دو لایه مانتو گذاشته بودم و سر جلسه تونستم به راحتی تقلب کنم». مهین: «تو کاغذ تقلب نوشته بودم و داخل ساق دست گذاشته بودم. سر جلسه‌ام در یک فرصت خوب ازش استفاده کردم».
استفاده از ابزار الکترونیکی همراه	مصطفی: «از اونجایی که می‌تونستم سر جلسه امتحان ماشین حساب ببرم، یک سری از فرمول‌ها رو داخل ماشین حساب ذخیره کردم و یک‌سری قلب دیگه هم روی ماشین حساب نوشتم (البته کمرنگ) و خیلی راحت تقلب کردم».

مقوله	گزاره
جاسازی تقلب در برگه‌های مجاز همراه هنگام امتحان	شیرین: «امتحان آمار داشتم و باید با خودم یک‌سری جداول آماری می‌بردم. از این فرصت استفاده کردم و یک‌سری مطالب ریز و نکته‌ای که برای پاسخ دادن به سؤالات ضروری بود رو داخل یک برگه سفید نوشتم و بین همین جدول‌ها گذاشتم و موقع امتحان تونستم ازش استفاده کنم». مینا: «پشت برگه ورود به جلسه تقلب نوشته بودم و تونستم خیلی راحت تقلب کنم».
روش‌های تمارض و مظلوم‌نمایی	امیرحسین: «قبل از امتحان جزوه خودم رو داخل سرویس بهداشتی گذاشتم و اواسط امتحان به بهانه اینکه حالم بده و دارم بالا می‌بارم، سرویس بهداشتی رفتم (البته به همین راحتی‌ها نیست و کلی براشون فیلم بازی کردم) و داخل همون چند دقیقه که فرصت بود به جزوه نگاه کردم و جواب چندتا از سؤالات یادم اومد و برگشتم همونایی که نگاه کرده بودم و یادم اومده بود رو سریع نوشتم».

۱۷۷

۴.۲.۳. روش گروهی - متداول

گاهی اوقات انجام عمل تقلب نه یک فعالیت فردی، بلکه عملی گروهی است. در این روش‌ها، از قبل هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی بین افراد صورت می‌گیرد. این روش تقلب نیز در بین دانشجویان بسیار شایع می‌باشد. معمولاً در امتحاناتی نظیر امتحان میان ترم که حساسیت کمتری در چیدمان نشستن افراد وجود دارد؛ این شیوه‌ها رایج‌تر است (جدول ۵).

جدول ۵: انواع روش‌های گروهی - متداول

مقوله	گزاره
رونویسی از روی برگه دیگران	علیرضا: «امتحان میان ترم، صندلیم رو بردم دقیقاً کنار صندلی شاگرد اول مون و کنارش نشستم. آقا این بنده خدا هرچی نوشت منم از روی اون نوشتم (البته می‌دونست دارم از روی اون می‌نویسم آخه قبل امتحان بهش گفته بودم و به دو ساعتی روی مخش کار کرده بودم!) فقط یادمه یک سؤال رو از روی عمد جواب ندادم آخه اگه اونم جواب می‌دادم تابلو می‌شد که تقلب کردم و حتماً استاد می‌فهمید». مهدی: «از نفر کناریم خواستم جواب سؤالات رو بهم برسونه اونم به‌خاطر من تا آخر جلسه نشست و تونستم چندتا سؤال رو از روی برگه اون بنویسم».

۴.۲.۴. روش گروهی - ابتکاری

در این روش فرد با کمک دیگران مرتکب تقلب می‌شود؛ اما برخلاف روش قبلی، در بین دانشجویان عمومیت زیادی ندارد. این روش هم مستلزم برنامه‌ریزی است. توافق و فرستادن فرد دیگری به جلسه امتحان به‌جای خود، هماهنگی با مراقبین امتحان، استفاده از تلفن همراه و تعویض برگه امتحانی با افراد دیگر، از انواع این روش‌ها می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶: روش‌های گروهی - ابتکاری

مقوله	گزاره
فرستادن فرد دیگر به جای خود	شهریار: «امتحان استاتیک داشتیم؛ از دوستم خواستم به جای من بره و امتحان بده، اونم قبول کرد و به جای من سر جلسه نشست».
هماهنگی با مراقبین امتحان	مرتضی: «امتحان میان‌ترم بود و استاد یکی از بچه‌های سال بالایی مون رو به عنوان مراقب گذاشته بود. منم چون باهاش آشنا بودم؛ گوشیم رو بهش دادم و ازش خواستم به یکی از دوستام بده که چند ردیف جلوتر از من نشسته بود تا از پاسخ سؤالاش عکس بگیره. دوستم از پاسخ‌هایی که داده بود عکس گرفت و مراقب، دوباره گوشی رو به من رسوند و منم هر چی بود نوشتم». سجاد: «یکی از مراقبایی که سر جلسه امتحان بود از آشناهامون بود، جواب‌ها رو از روی برگه بچه‌های دیگه نگاه می‌کرد و بهم می‌رسوند».
استفاده از تلفن همراه و همراهی فرد دیگر	محمدامین: «سر جلسه با چند نفر از دوستام به صورت (اس ام اس) جواب سؤال‌ها رو به همدیگه می‌رسوندیم». سعید: «امتحان زبان داشتیم و به خاطر اینکه تستی بود با شاگرد ز رنگ‌مون هماهنگ کرده بودیم که جواب‌ها رو برای ما اس ام اس کنه. اونم همین کار رو انجام داد و بهمون رسوند». سحر: «گوشی موبایل رو قبل از امتحان زیر لباسم جاسازی کردم و هندزفری هم بهش وصل کردم و از زیر مانتو و مقنعه‌ام عبور داده و به گوشم زده بودم. موقع امتحان، همین‌که استاد برگه سؤال رو داد و به محض دور شدن از من سؤال‌ها رو برای دوستم که داخل خوابگاه بود خوندم و اونم بعد از اینکه جواب رو پیدا کرد پاسخ‌ها رو آروم آروم برای من خوندم. منم جوابا رو نوشتم».
تعویض برگه امتحانی با فرد دیگر	معصومه: «سر جلسه امتحان با کناریم برگه‌هامون رو عوض کردیم و اون، جواب سؤال‌هایی که ننوشته بودم رو برام نوشت. منم جواب سؤالایی که نفر کناریم پاسخ نداده بود و بلد بودم رو برایش نوشتم».

۴.۳. به کارگیری انواع تکنیک‌های خنثی‌سازی

در این بخش از مقاله، مهم‌ترین دلایل تقلب مطرح‌شده از سوی دانشجویان در چارچوب مفاهیم خنثی‌سازی سایکز و ماتزا قرار گرفته است.

۴.۳.۱. تکنیک عدم پذیرش مسئولیت

یکی از رایج‌ترین توجیهاتی که دانشجویان متقلب برای رفتار انحرافی خود به کار می‌برند تکنیک انکار مسئولیت است. متقلبین با استفاده از این تکنیک، رفتار انحرافی خود را تقصیر عوامل بیرونی نظیر حفظی بودن مطالب و متوالی بودن امتحانات می‌دانند. اینکه وقتی برنامه‌ریزی برای امتحانات به گونه‌ای است که یک دانشجو نمی‌تواند فرصت کافی برای مطالعه داشته باشد چاره‌ای جز تقلب وجود ندارد.

برخی از دانشجویان با این عذر که احتمال فراموشی مطالب دروس حفظی زیاد است، مسئولیت تقلب را از خود سلب می‌نمایند. اکثر دانشجویان خصوصاً آنهایی که ساکن خوابگاه بودند، اصطلاحاً «شب امتحانی» هستند و از آنجایی که در طول ترم دروس خود را مطالعه نمی‌کنند، در شب‌های امتحان با حجم بالایی از مطالب جدید روبه‌رو می‌شوند. از این‌رو یا باید به ناچار تمام شب را بیدار بمانند و یا برای تقلب در امتحان برنامه‌ریزی کنند. برخی از دانشجویان نیز در راستای انکار مسئولیت به جو نامناسب خوابگاه اشاره کرده و آن را علت بی‌رغبتی و بی‌علاقگی به درس خواندن و توجیهی برای عمل تقلب خود می‌دانند (جدول ۷).

جدول ۷: تکنیک انکار مسئولیت

تکنیک	مقوله	گزاره
انکار مسئولیت	حفظی بودن مطالب	<p>مهین: «خیلی وقت‌ها پیش اومده که یک سری مطالب رو به‌سختی حفظ کردم و حتی تا زمان امتحان مداوم با خودم این مطالب رو تکرار می‌کردم تا یادم نره ولی سر جلسه از استرس زیاد فراموش می‌کردم و نمی‌تونستم جواب سؤال رو بنویسم. از آنجایی که احتمال فراموشی مطالب حفظی زیاد به‌همین خاطر دیگه سر جلسه با خودم تقلب می‌برم و موقع نیاز ازش استفاده می‌کنم.»</p> <p>مریم: «امتحانم به‌گونه‌ای بود که مجبور بودم برا خوندمش کل کتاب رو حفظ کنم به‌همین خاطر تقلب نوشتم و با خودم سر جلسه امتحان بردم.»</p> <p>اسماعیل: «درسای ما اکثراً حفظیه و بعضی وقت‌ها سر جلسه، ابتدای پاسخ سؤال یادم نمیاد به‌همین خاطر یا با خودم تقلب سر جلسه می‌برم یا از روی دست دیگران نگاه می‌کنم. در واقع یه استارت اولیه می‌خوام بقیه‌شو خودم می‌نویسم.»</p>
	متوالی بودن امتحانات	<p>ندا: «دو تا امتحان پشت سرهم داشتم یکی‌رو خوب خوندم ولی برای امتحان دوم نه وقت خوندم بود و نه حوصله خوندمش. به‌خاطر همین امتحان دوم رو تقلب کردم.»</p> <p>مهدی: «چهارشنبه دو تا امتحان داشتم اولیش ساعت ۲ بعدی‌شم ساعت ۴. امتحان دوم رو مجبور بودم تقلب کنم و در غیر این صورت می‌افتادم.»</p>
	نامناسب بودن شرایط برای درس خواندن	<p>مهدی: «داداش من دلت خوشه‌ها! چهار ساله به‌خودم می‌گم دیگه ترم بعد در طول ترم می‌خونم و برای شب امتحان نمیذارم ولی نشد که نشد. اصلاً جو داخل خوابگاه جوریه که نمی‌شه زیاد درس بخونی. زندگی در خوابگاه الزام می‌کنه با جمع باشی به‌خاطر همین کمتر وقت و حوصله برای درس خوندم پیدا می‌شه تازه اگر هم بخوام درس بخونم، خوابگاه اینقدر شلوغه که خودت از درس خوندم پشیمون می‌شی.»</p> <p>آیدا: «مدرسه‌ای که بودم اصلاً این‌جوری نبودم و در طول سال تحصیلی درسام رو هم می‌خوندم اما از موقعی که دانشگاه اومدم و داخل خوابگاه زندگی کردم شب امتحانی شدم. احساس می‌کنم دست خودم نیست و جو خوابگاه جوریه که نمی‌تونم در طول ترم درس بخونی.»</p>

۳.۲.۴. تکنیک انکار زیان

افرادی که برای توجیه رفتار انحرافی خود از این تکنیک استفاده می‌کنند عقیده دارند که این رفتار انحرافی «تقلب» آنان هیچ ضرر و زیانی به کسی وارد نمی‌کند. برمبنای گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، کسب نمره از مهم‌ترین دلایل تقلب در بین دانشجویان به‌شمار می‌رود. از آنجایی که کسب نمره در نظام آموزشی و جامعه ما به یک ارزش تبدیل شده، لذا دانشجویان درصدد به‌دست آوردن آن از هر شیوه‌ای حتی غیرمجاز می‌باشند. بنابراین دانشجویان با بیان این دلیل که هدف آنها کسب نمره بوده و هیچ ضرر و زیانی به کسی وارد نمی‌کنند، عمل خود را پذیرفتنی جلوه می‌دهند و دست به تقلب می‌زنند. توجیه دانشجویان در این بخش آن بوده که بر فرض اگر از مطالب فرد مجاور یا دانشجوی دیگری استفاده کرده‌اند، ضرری متوجه او نشده یا حقی از او ضایع نشده است. همان‌طور که از اظهارات دانشجویان برمی‌آید، رفتار تقلب در نظر آنها پیش از آنکه عملی خلاف و با نتایج منفی در نظر گرفته شود «لذت‌بخش» و دارای کارکرد «نمره‌آوری» ارزیابی گردیده می‌شود (جدول ۸).

۱۸۰

جدول ۸: تکنیک انکار زیان

تکنیک	مقوله	گزاره
انکار زیان	نداشتن زیان برای کسی	مصطفی: «بالا رفتن نمره من با تقلب هیچ ضرر و زیانی به کسی وارد نمی‌کند و به همین خاطر فکر نمی‌کنم که مشکلی داشته باشم».

۴.۳.۳. سرزنش سرزنش‌کنندگان

دانشجویان با استفاده از این تکنیک در پی اثبات این هستند که افرادی که آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهند، عامل رفتار انحرافی هستند نه خودشان! در واقع در اینجا سرزنش‌کنندگان دانشجویان، خود مورد سرزنش دانشجویان واقع می‌شوند. بسیاری از دانشجویان، در توجیه تقلب خود به سرزنش اساتید و وزارت علوم می‌پردازند و آنها را به کم‌کاری و سوء مدیریت و یا ناآشنایی با امر آموزش محکوم می‌کنند. دانشجویان مطالعه‌شونده علت تقلب خود را روش‌های نادرست اساتیدشان در تدریس و نمره‌دهی بیان نموده‌اند و به‌همین دلیل اساتید را برای سرزنش تقلب محق ندانسته‌اند. اغلب دانشجویان بر این اعتقادند که برخی از دروسی که آنها موظف به گذراندن آن هستند «بی‌ارتباط» با رشته تحصیلی و تخصص آنها بوده و یادگیری چنین درس‌هایی در آینده هیچ ارزش و فایده‌ای برای آنها ندارد، بنابراین برای مطالعه و یادگیری چنین دروسی نباید وقت صرف کرد (جدول ۹).

جدول ۹: تکنیک انکار سرزنش سرزنش‌کنندگان

تکنیک	مقوله	گزاره
	تدریس و نمره‌دهی نامناسب استاد	شیرین: «وقتی استاد به بچه‌ها درست درس بده و از درک مطلب آنها در کلاس مطمئن بشه و دانشجو یار رو مثل گوسفند تو کلاس رها نکنه مطمئناً ما هم تقلب نمی‌کنیم». سجاد: «بعضی از اساتید عین مطلب رو میخوان و اگه عین مطلب رو ننویسی بهت نمره نمیدن منم هیچ موقع مطالب رو حفظ نمی‌کنم و می‌خونم هرچی از اون فهمیدم رو برگه می‌نویسم که حتی اگه مفهوم رو به‌درستی پرسونم متأسفانه نمره‌ای نداره چون دقیقاً عین مطالب کتاب نیست برای همین تقلب می‌کنم». علیرضا: «چرا اساتادها بین دانشجو یار شون تفاوت می‌ذارن؟ وقتی بومی‌بودن دانشجو برای استاد تبدیل به یک ارزش می‌شه و تأثیر زیادی در نمره‌دهی استاد داره. دیگه زشتی تقلب برای من دانشجوی غیربومی از بین میره».
سرزنش سرزنش‌کنندگان	بی‌فایده خواندن برخی از دروس و عدم درک فایده آنها (توجه به کاربردی بودن دروس)	سعید: «بیشتر در دروس عمومی تقلب می‌کنم از آنجایی که دانشجوی فنی هستم معتقدم به‌کارم اصلاً نمیداد و هیچی از این درس‌ها یاد نمی‌گیرم که برای آینده‌ام مفید باشه به‌همین خاطر اکثر کلاس‌هاشو هم حتی‌الامکان حاضر نمی‌شم. حتی کتابش رو هم همون روزی آخر از کتابخانه دانشگاه یا دوستان تهیه می‌کنم. بعدش شما انتظار دارین تقلب نکنم». شهیار: «اصولاً معتقدم که اجبار نباید در خواندن وجود داشته باشه و از آنجا که بسیاری از مطالبی رو که می‌خونیم ارزش خوندن نداره و به‌دردم نمی‌خوره پس باید تقلب کرد تا پاس شد».
عدم ارزیابی درست افراد		سحر: «وقتی ملاک ارزشیابی افراد نمره هست بعضی اوقات چاره‌ای جز تقلب کردن نیست». محمدمین: «در سیستمی که برگزاری امتحانات مبنای دانش است و یک نمره تعیین‌کننده قبولی یا رد افراد می‌باشد؛ تقلب نه تنها جایز است بلکه واجب شرعی و قانونی می‌باشد».

۴.۳.۴. تکنیک انکار آسیب‌دیده

این تکنیک در پی اثبات این امر است که دانشگاه امروزی مستحق تقلب است، در اینجا دانشجو معتقد است که کار بدی از او سر نزده است. دانشگاهی با چنین وضعی، کشوری با چنین وضعی، جامعه‌ای با چنین وضعی، شایسته و مستحق تقلب است. فرد با تقلب به‌نوعی از جامعه خود انتقام می‌گیرد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: تکنیک انکار آسیب‌دیده

مقوله	تکنیک خنثی‌سازی	گزاره
استحقاق دانشگاه برای تقلب	انکار آسیب‌دیده	علیرضا: «تو جامعه ما جایگاه و ارزش نمره بهتر و بیشتر از داشتن اطلاعات می‌باشد». محمدامین: «در سیستمی که برگزاری امتحان مبنای دانش است و یک نمره تعیین‌کننده قبولی یا رد افراد است که آن را نیز به‌حق نمی‌دهند؛ تقلب نه تنها جایز است بلکه واجب شرعی و قانونی می‌باشد». سحر: «وقتی که ملاک ارزیابی افراد نمره هستش، بعضی اوقات چاره‌ای جز تقلب نیست». علیرضا: «به‌خاطر این تقلب کردم تا نمره دلخواه‌مو بگیرم تو جامعه ما جایگاه و ارزش نمره بهتر و بیشتر از داشتن اطلاعات می‌باشد». امیرحسین: «تو سیستم آموزشی ما حرف اول رو نمره می‌زنه و کاری هم با هوش و استعداد فرد ندارن. برای گرفتن نمره‌ام کلی راه جز درس خوندن وجود داره وقتی که فکر می‌کنم به‌شکل راحت‌تری (با تقلب) می‌شه نمره گرفت اصلاً نمی‌تونم درس بخونم».

۱۸۲

۴.۳.۵. تکنیک اظهار و ادعای وفاداری به دیگران

در این تکنیک نیز اظهار و ادعای وفاداری به دیگران، به‌خصوص دوستان؛ توجیه عمل قرار می‌گیرد. فرد ارزش‌های گروه کوچک را به ارزش‌های حاکم جامعه ترجیح و خود را به آنها وفادارتر می‌داند. معصومه و امیرحسین با استفاده از این تکنیک، ارزشمندتر بودن رفاقت را علت رفتار تقلب خود بیان می‌کنند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: تکنیک اظهار و ادعای وفاداری به دیگران

مقوله	تکنیک خنثی‌سازی	گزاره
ارزش رفاقت	اظهار و ادعای وفاداری به دیگران	معصومه: «بعضی وقتا دوستانم اینقدر ازم خواهش می‌کنند که با آنها در تقلب کردن همکاری کنم و بهشون نشون بدم. منم به‌خاطر دوستی‌مون و برای اینکه دوستانم از من ناراحت نشن قبول می‌کنم». امیرحسین: «من تو درس زبان انگلیسی مشکلی ندارم و تقریباً قوی‌ام به‌خاطر همین یکی از دوستانم ازم خواست به‌جای اون سر جلسه برم و امتحان بدم. منم مرامی قبول کردم و رفتم به‌جای اون امتحان دادم و طرف با نمره خوبی هم درس رو پاس شد».

۴.۳.۶. یافته‌های جانبی

یکی از موضوعاتی جانبی که در این تحقیق به آن دست یافتیم و به‌نوعی در نظریه خنثی‌سازی دیده نشده است، بی‌توجهی به مسئله «هنجار شکنی» است. در اینجا فرد، تقلب

را نه امری مذموم بلکه موضوعی صرفاً جهت سرگرمی قلمداد می‌کند. فروکاستن تقلب به موضوعی در حد سرگرمی و یا هیجان‌انگیز از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت است. اینکه فرد هنجارشکنی را با تبدیل آن به یک سرگرمی صرف، توجیه‌پذیر می‌نماید. موضوع دیگری که در یافته‌ها قابل توجه است؛ دسترسی آسان و بدون زحمت به نتیجه است. همچنین از یافته‌های جانبی دیگر این تحقیق، تلاش برای جلب توجه جنس مخالف از طریق ارائه خدمات تقلبی به آنان است. این مقولات نیز از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت است. جدول ۱۲ به این گزاره‌ها اشاره می‌کند.

جدول ۱۲: یافته‌های جانبی

مقوله	گزاره
هنجارشکنی	«برای من تقلب کردن تو امتحانات یک تنوعه که هم بی‌روح بودن اون روزای امتحان و از بیسن می‌بره و هم هیجان زیادی با خودش همراه داره درواقع دل خودم رو خوش نگه می‌دارم تا فضا و جو چنین روزایی برام قابل تحمل تر بشه»
	«تقلب برای من یک سرگرمی لذت‌بخش و پر از هیجانه. خیلی حال میده»
	«ریسک کردن رو دوست دارم چون با هیجان همراهه»
دسترسی آسان و بی‌زحمت	«برای گرفتن نمره کلی راه جز درس خوندن وجود داره وقتی که فکر می‌کنم به شکل راحت‌تری (با تقلب) می‌شه نمره گرفت اصلاً نمی‌تونم درس بخونم».
جلب توجه جنس مخالف	«وقتی به بچه‌ها تقلب نشون میدی باعث می‌شه بین بچه‌ها به‌خصوص دخترها عزیز بشی و این بسیار لذت‌بخش هست».

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله بررسی جامعه‌شناختی موضوع تقلب در امتحان و شناخت علل این مسئله از نگاه دانشجویانی است که خود به انجام این عمل، مبادرت می‌کنند. تجربه زیسته نویسندگان این مقاله نشان از شیوع تقلب در بین دانشجویان دارد. طبق یافته‌های این مطالعه، با تنوعی از روش‌های مختلف تقلب توسط دانشجویان مواجه شده‌ایم؛ اینکه دانشجویان همواره در پی ابداع روش‌های جدیدتری بودند و از انواع ابزارها به‌خصوص تلفن همراه به این منظور بهره می‌گرفتند. تقلب، هم به‌صورت فردی و هم گروهی انجام می‌گیرد، که در نهایت انواع روش‌های دانشجویان را در چهار گروه، دسته‌بندی نمودیم؛ روش‌های فردی - متداول، روش‌های فردی - ابتکاری، روش‌های گروهی - متداول و روش‌های گروهی - ابتکاری. در بین این چهار روش، «روش فردی - متداول» به‌دلیل

سادگی عمومیت بیشتری در بین دانشجویان داشت.

در تحلیل یافته‌ها، به کمک نظریه خنثی‌سازی سایزر و ماتزا به راه‌های توجیه افراد متقلب دست یافتیم. دانشجویان متقلب با استفاده از واژه‌ها و اصطلاحاتی به توجیه رفتار انحرافی خود پرداخته و از این طریق سعی در موجه جلوه دادن عمل خود دارند. با قرار دادن گفته‌های دانشجویان مورد مطالعه در قالب این فنون خنثی‌سازی، دریافتیم که آنها از هر پنج تکنیک خنثی‌سازی برای توجیه رفتار انحرافی خود استفاده کرده‌اند. با استفاده از تکنیک عدم پذیرش مسئولیت؛ دانشجویان رفتار انحرافی خود را تقصیر عوامل بیرونی می‌دانند. با استفاده از تکنیک عدم پذیرش زیان و صدمه؛ دانشجویان متقلب بر این عقیده‌اند که تقلب کردن آنها هیچ صدمه‌ای به کسی وارد نمی‌کند. با استفاده از تکنیک سرزنش سرزنش‌کنندگان؛ دانشجویان، عوامل سازمانی و مدیریت آموزشی و اساتید را مورد هدف قرار گرفته و در توجیه رفتار خود به تدریس و نمره‌دهی نامناسب اساتید، بی‌فایده بودن برخی از دروس و عدم ارزیابی درست افراد در امتحانات اشاره می‌کنند و با استفاده از تکنیک عدم پذیرش قربانی که توجیهاات کمتری را در این تحقیق به خود اختصاص داده است فرد متقلب مدعی می‌شود که با وضعیت فعلی دانشگاه و مقررات حاکم بر آن، باید تقلب نمود. در نهایت، با استفاده از تکنیک وفاداری به ارزش‌های عالی‌تر؛ افراد مورد مطالعه تقاضا و خواهش دوستان را علت رفتار خود بیان نمودند.

اما در ریشه‌یابی تقلب و پیگیری دلایل انجام آن نمی‌توان تنها به دانشجویان محدود شد، زیرا این سؤال پیش می‌آید که چرا این افراد سعی می‌کنند رفتار نابه‌هنجار (تقلب) خود را با فنون خنثی‌سازی توجیه نمایند. در پی مصاحبه با دانشجویان بعضی از گفته‌ها از طرف آنان ما را متوجه این نکته کرد که «تنها مقصر دانستن دانشجویان در انجام این امر نابه‌هنجار» برداشتی نامطلوب است و وقتی در پی ریشه‌یابی این معضل اجتماعی در مراکز علمی هستیم باید نگاهی بس عمیق‌تر به آن داشته باشیم.

از آنجایی که هدف نهایی در روش کیفی، تحلیل نظری است (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). جهت تبیین مسئله تقلب در امتحان؛ لازم است مقولات در ارتباط با موضوع با استفاده از یک پارادایم به همدیگر متصل شوند. این پارادایم عبارت است از:

شرایط علی ← پدیده ← زمینه ← شرایط میانجی ← کنش/کنش متقابل ← پیامد

شکل ۲: فرایند شکل‌گیری مسئله مورد بررسی

شرایط علی، علت یا شرایطی که در آن عواملی سبب به وجود آمدن پدیده‌ای می‌شود. پدیده، حادثه و رویدادی است که به واسطه کنش و واکنش‌ها شکل گرفته و می‌توان بر آنها نظارت کرد و کنترل داشت. محتوا (زمینه)، ویژگی‌های پدیده است، به معنایی، محتوا شرایطی است که استراتژی رفتارها و رفتارهای متقابل در آن صورت می‌گیرد. شرایط میانجی، عوامل یا شرایطی هستند که استراتژی‌ها را تشدید یا کند می‌کنند و پیامد، نتیجه نهایی است که ظاهر می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

در بررسی پدیده تقلب در امتحان با انواع روش‌های فردی و گروهی و متداول و ابتکاری (در ضمن مصاحبه‌ها) مقولات شرایط علی این مسئله، شامل شرایط ساختاری و آموزشی؛ با ارزش شدن نمره و معدل، افزایش واحدهای درسی و عدم توجه به بی‌علاقگی دانشجویان، شناسایی شد. همچنین به تفاوت در بخش‌های زمینه‌ای افراد مانند ریسک‌پذیر بودن، شجاعت داشتن و خود را مطلوب جلوه دادن برخورد کردیم. شرایط میانجی نیز در میان دانشجویان مانند رشته تحصیلی، معدل، سن، جنس و شاغل بودن در تحلیل و بررسی مورد توجه قرار داشت.

استراتژی‌های کنش و واکنش؛ همچون واکنش در برابر تقلب توسط اساتید، دانشجویان غیرمتقلب، دانشجویان متقلب، مراقبین امتحان بر رفتار تقلب افراد مؤثر بود. پیامدهای رفتار تقلب دانشجویان در امتحان، از جمله به مخاطره افتادن اعتماد اجتماعی، گسترش آنومی اجتماعی و ارزشیابی کاذب عموماً در نتیجه نهایی تقلب در جامعه ظاهر می‌گردد. جدول ۱۳ مدل تبیینی مسئله تقلب در امتحان را نشان می‌دهد؛ که در نهایت در تفهیم مسئله ما را یاری می‌نماید.

جدول ۱۳: مدل تبیینی مسئله تقلب در امتحان

شرایط علی	بالرزش شدن نمره و معدل، افزایش واحدهای درسی، عدم توجه به بی‌علاقگی دانشجویان
پدیده	تقلب در امتحان با انواع روش‌های متداول و ابتکاری
زمینه	ریسک‌پذیر بودن افراد، شجاعت داشتن، خود را مطلوب جلوه دادن
شرایط میانجی	رشته تحصیلی، معدل، سن، جنس، شاغل بودن
کنش / واکنش	واکنش در برابر تقلب توسط اساتید، دانشجویان غیرمتقلب، دانشجویان متقلب، مراقبین امتحان
پیامد	به مخاطره افتادن اعتماد اجتماعی، گسترش آنومی اجتماعی و ارزشیابی کاذب

(منبع: مولفان)

در تحلیل یافته‌ها، نشان داده شد که تنها مقصر در جریان امر تقلب، فرد متقلب نیست بلکه امروزه امتحانات در سیستم آموزشی کشورمان از یک مسئله سنجشی به یک مسئله ارزشی تبدیل شده است و این تبدیل نابه‌جا و اشتباه باعث این عقیده در بین قشر تحصیل کرده شده که امتحانات ابزاری برای اثبات فهم دروس نیست، بلکه تنها روشی قانونمندانه برای گرفتن مدرک است. به این دلیل دانشجویان به امتحان به‌عنوان یک سنجش نگاه نمی‌کنند. به‌نظر می‌رسد تا زمانی که ملاک نمره دانشجوی فقط امتحان باشد و به‌جای آنکه تکیه بر اندوخته‌های فرد باشد تنها به مدرک و نمره توجه شود تقلب انجام می‌شود. در نتیجه در جریان امر تقلب علاوه بر فرد متقلب، سیستم آموزشی ما نیز دچار نقایصی است.

وجود تقلب در نظام آموزشی کشور ما و به‌طور خاص در دانشگاه‌ها که یکی از نهادهای جامعه‌پذیر نمودن جوانان است، زنگ خطری است که قوانین بخش‌هایی از جامعه دچار مشکل جدی است و نیازمند بازنگری هستند. همان‌گونه که بیان شد؛ در بررسی مسئله تقلب عوامل فردی و ساختاری تاثیرگذار است. بنابراین اقدامات پیشگیرانه در ارتباط با موضوع نیز در دو بخش تغییر نگرش دانشجویان (فرهنگی)؛ مانند آگاهی دادن نسبت به پیامدهای تقلب، تغییر تفکر دانشجویان و مسئولین در تأکید بیش از حد بر نمره، ایجاد انگیزه و رغبت هرچه بیشتر دانشجویان برای فراگیری دروس و بخش دوم؛ اقداماتی برای اصلاح ساختاری (آموزشی) می‌باشد. از جمله اصلاحات ساختاری می‌توان از تغییر سبک امتحانات، تأکید بر توانایی‌ها و خلاقیت‌ها به‌جای تأکید بر محفوظات، عدم تأکید صرف به مدرک و نمره و معدل، توجه به فعالیت‌های کلاسی دانشجویان در طول ترم، نام برد. نکته دیگر آنکه باید توجه داشت که در سال‌های اخیر توسل به راه‌های آسان و بدون رنج رسیدن به اهداف در متن جامعه رو به رشد بوده است. در واقع با رنج نابرده به گنج دست یافتن به تدریج در بین بخشی از جوانان کشورمان شیوع یافته است. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی غیرموجه تا اندازه‌ای زمینه‌ساز چنین گرایشی بوده است. ولی از دانشگاه به‌عنوان یکی از مراحل یا نهادهای جامعه‌پذیری انتظار می‌رود که تأثیرات منفی سایر نهادهای بیرون از دانشگاه را تعدیل کرده و هنجارهای مثبت را در دانشجویان تقویت کرده و به درونی‌سازی آنها کمک کند. نظام دانشگاهی نباید به‌گونه‌ای باشد که به‌تعبیر رابرت مرتن، فرد در مقابل فشار ساختاری قرار گیرد و برای رسیدن به اهداف مشروع (موفقیت تحصیلی) به وسایل نامشروع متوسل شود (ر.ک. علیخواه، ۱۳۸۷).

منابع

۱. چمبری، زری. (۱۳۸۵). بررسی عوامل جامعه‌شناسانه گرایش دانشجویان به کجروی در محیط‌های آموزشی با تأکید بر هنجارهای علمی و آموزشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان.
۲. حاضری، علی‌محمد و اسماعیل شریفی. (۱۳۸۷). بررسی تجربه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان سال اول و دوم دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران و مقایسه آن با دو نسل قبل از خود. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره دهم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۸.
۳. خامسان، احمد و محمداصغر امیری. (۱۳۹۰). بررسی تقلب تحصیلی درمیان دانشجویان دختر و پسر. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. سال ششم. شماره اول.
۴. رایبگتن، ازل و مارتین واینبرگ. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی. رحمت‌اله صدیق سروسستانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات چاپ.
۵. سپهری‌نیا، امیر. (۱۳۷۶). تأثیر عزت‌نفس بر نگرش نسبت به تقلب و اقدام به آن در دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی شهرستان شوش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۶. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۸. علیخواه، فردین. (۱۳۸۷). پیامدهای سیاسی مصرف‌گرایی. *مجله تحقیقات فرهنگی*. بهار. دوره ۱. شماره ۱.
۹. محمدی، بیوک. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۱. نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *میانی جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات توتیا.

12. Agnew, R. (1994). The Techniques of Neutralization and Violence. *Criminology*. 32. 555-580.
13. Brennan, W. C. (1974). Abortion and the Techniques of Neutralization. *Journal of Health and Social Behavior*. 15. 358-365.
14. Coleman, J. W. (1987). Toward an Integrated Theory of White-collar Crime. *American Journal of Sociology*. 93 (2). 406-439.
15. Costello, B. (2000). Techniques of Neutralization and Self-esteem: A Critical Test of Social Control and Neutralization Theory. *Deviant Behavior: An Interdisciplinary Journal*. 21. 307-329.

16. Farnese, M. L.; C. Tramontano; R. Fida & M. Paciello. (2011) . Cheating Behaviors in Academic Context: Does Academic Moral Disengagement Matter? International Conference on Education and Educational Psychology (ICEEPSY 2011). *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 29. 356-365. Retrieved from: <http://www.scienceDirect.com>.
17. Khodaie, E.; A. Moghadamzadeh & K. Salehi. (2011). Factors Affecting the Probability of Academic Cheatin School Students in Tehran. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 29. 1587-1595. Retrieved from <http://www.scienceDirect.com>.
18. Lanier, M. M. & S. Henry. (2004). Essential Criminology. Westview Press. pp. 168-176. Retrieved from:<http://ethics.ucsd.edu/journal/2008/readings/NeutralizationTheory.pdf>
19. McCabe, D. L. & L. K. Trevino. (1997). Individual and Contextual Influence on Academic Dishonesty: A Multicampus Investigation. *Research in Higher Education*. 38. 379-396.
20. McCabe, D. L.; L.K. Trevino. & K. D. Butterfield. (2001). Cheating in Academic Institutions: A Decade of Research. *Ethnics & Behavior*. 11 (3). 219-232.
21. McCorkle, L. & R. Korn. (1954). Resocialization Within Walls. *The Annal of the American Academy of Political and Social Sciences*. 293. 88-98.
22. Minor, W. W. (1981). Techniques of Neutralization: A Reconceptualization and Empirical Examination. *Journal of Research in Crime and Delinquency*. 18 .295-318.
23. Minor. W. W. (1984). Neutralization as a Hardening Process: Considerations in the Modeling of Change. *Social Forces*. 62. 995-1019.
24. Naghdipour, B. & Okechukwu L. E. (2013). Students` Justifications for Academic Dishonesty: Call For action. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 83. 261-265. Retrieved from: <http://www.scienceDirect.com>.
25. Peretti-Watel, P. (2003) .Neutralization Theory and the Denial of Risk: some Evidence from Cannabis Use among French Adolescents. *British Journal of Sociolog*. Br J Sociol. 2003 Mar. 54 (1) .21-42.
26. Stanculescu, E. (2013). Affective Tendencies in Embarrassing Situations and Academic Cheating Behavior. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 78. 723-727. Retrieved from: <http://www.scienceDirect.com>.
27. Sykes, G. M. & D. Matza. (1957). *Techniques of Neutralization, in Henry N. Pontell (ed), Social Deviance*. New Jersey: Prentice-Hall.
28. Vieraitis, L. M.; N. L. Piquero; A. R. Piquero; S. G.Tibbettes & M. Blankenship. (2012). Do Women and Men Differ in Their Neutralizations of Corporate Crime?. *Criminal Justice Review*. Vol. 37 (4). pp. 478-496.